

## تعهد به اجرای عدالت بین همسران؛ التزام حقوقی یا اخلاقی

### The Commitment of Dealing Justice Between Wives; A Legal Obligation or an Ethical one

S. A. Naqibi, Ph.D. ✉

دکتر سیدابوالقاسم نقیبی ✉

استادیار گروه فقه و حقوق خصوصی مدرسه عالی شهید مطهری

#### Abstract

In the principle 23 of suggestive legal article (1386) of the Protection of Family, the husband commitment, for dealing justly between his wives, is defined as one of the conditions of his next permanent marriage. Indeed, it comes from a Quranic verse, "if you fear that you May not be able to deal justly with them (wives) then only marry one free woman" (Al-Nisa', 3), which declare the possibility of polygyny and also limit its quantity. In addition, the justice is the most supreme human accomplishment that is one of the ethical goals of social relationship. In this way, it has been recognized as a rule in marital issues,

#### چکیده:

در ماده ۲۳ لایحه پیشنهادی حمایت خانواده ۱۳۸۶، تعهد زوج به اجرای عدالت بین همسران از شروط اختیار همسر دائم بعدی تلقی شده است. این قسمت از ماده متخذ از آیه شریفه «وَإِنْ حَسِبْتُمْ أَنْ لَا تَعْلَمُوا فُؤَادَ الْمَرْءِ لَمْ يَعْلَمْ اللَّهُ الْبَاطِنَ إِنَّهُ كَانَ غَدِيبًا» می باشد که ضمن به رسمیت شناختن تعدد زوجات، کمیت آن را محدود و آن را مشروط به رعایت عدالت نموده است. عدالت عالی ترین فضیلت انسانی و اخلاقی و غایت در مناسبات اجتماعی است. در حقوق اسلامی این غایت متعالی به عنوان یک قاعده مورد شناسایی قرار گرفته است که اجرا و رعایت آن در مناسبات اجتماعی از جمله مناسبات زوج یا زوجات در اموری چون نفقه و اوقات معاشرت الزامی است.

✉Corresponding author: Department of Juris Prudence and Law, Shahid Motahhari School, Tehran, Iran.  
Tel: +9821- 33124465  
Fax: +9821-33124472  
Email: feyzfeyz@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - میدان بهارستان - مدرسه عالی شهید مطهری - ساختمان معاونت پژوهشی  
تلفن: ۰۲۱-۳۳۱۲۴۴۶۵ - دورنما: ۰۲۱-۳۳۱۲۴۴۷۲  
پست الکترونیک: email: feyzfeyz@yahoo.com

such as cost of living, and cohabitative time. However, love and emotion like other psychological subjects can't be controlled by human, completely. So, dealing the justice in emotions, which means an exact dividing, is a very hard obligation. Nevertheless, Islamic human studies that understand the sprite as a greater capacity define the possibility of devoting the emotions to several wives, justly. Therefore, dealing of this marital justice is an ethical endeavor, which is implemented by husband, for proving his lovely affection to the wives. So, this kind of commitment is proposed, based on the ethical guarantee.

**Keywords:** Justice, Polygyny, Legal Rule, Ethical Role, Family.

در عین حال عشق و احساس مانند هر امر روحی دیگر کاملاً تحت اختیار آدمی نیست تا دقیقاً آن را بین افراد تقسیم نماید. لذا رعایت عدالت در عواطف و احساسات به معنای تقسیم دقیق آن بین زوجات بسیار دشوار است. انسان‌شناسی اسلامی که ظرفیت روحی آدمی را بسیار گسترده و عمیق می‌داند فرضیه جای دادن عواطف به چند همسر را میسر و ممکن می‌شمرد. لذا عدالت را باید به معنای تلاش اخلاقی دانست که زوج در استقرار علاقه به همسران و ابراز آن نسبت به هر یک به کار می‌گیرد. بدیهی است اجرای تعهد در گستره عشق و عواطف از ضمانت اجرایی متناسب با قواعد اخلاقی برخوردار است.

**کلیدواژه‌ها:** عدالت، تعدد زوجات، قاعده حقوقی، قاعده اخلاقی، خانواده.

## مقدمه

لایحه پیشنهادی حمایت از خانواده (۱۳۸۶) در ماده ۲۳ مقرر می‌دارد: «اختیار همسر دائم بعدی، منوط به اجازه دادگاه پس از احراز توانایی مالی مرد و تعهد اجرای عدالت بین همسران می‌باشد». ولی سؤال اساسی این است که مبانی و پیشینه تعدد زوجات چیست؟ چه عواملی دولت را بر آن داشت تا تعهد اجرای عدالت بین همسران را در لایحه پیشنهادی لحاظ نماید؟ اصولاً مراد از عدالت مورد نظر بین همسران چیست؟ آیا تحقق عدالت روحی مانند عدالت مالی یا اوقات معاشرت ممکن است؟ آیا تعهد به اجرای عدالت موجب یک التزام حقوقی است یا تعهد اخلاقی؟ پاسخ سؤالات مذکور مبتنی بر مبانی و مبادی است که در حقوق زن و حقوق خانواده در اسلام مورد توجه است. از جمله این مبادی شناسایی تعدد زوجات است لذا بایسته است در زمینه فلسفه شناسایی تعدد زوجات در حقوق اسلامی بحث شود.

## ۱. پیشینه و فلسفه تعدد زوجات

تعدد زوجات قبل از اسلام در میان تمام اقوام شرقی (یهود، ایرانی، عرب و غیره) شایع بوده است. در میان اعراب تعدد زوجات حد و حصری نداشت. مرحوم علامه طباطبائی (۱۳۹۴) در این زمینه می‌نویسد: «اتخاذ زوجات متعدده از سنت‌هایی بوده که در غالب امت‌های گذشته مانند مصر، هند، چین، ایران بلکه در روم و یونان جاری بوده است. لذا حکم تعدد زوجات از تأسیسات و ابتکارات حقوق اسلام نیست، بلکه ریشه در تاریخ اقوام و ملل مختلف دارد اسلام نه آن را ابتکار و ایجاد نمود و نه به کلی آن را نسخ و لغو کرد بلکه تحدید و تقییدش نمود» (مطهری، ۱۳۶۵). یعنی نامحدود بودن کمی را نسخ و جواز و حلیت آن را منوط به شروطی چون عدالت نمود.

نازا بودن یا یائسه شدن وزن احتیاج مرد به فرزند، نیازمندی کشور یا جامعه به کثرت نفوس به تعبیر جامع‌تر علل طبیعی که زن و مرد را از لحاظ ارضاء جنسی و یا از لحاظ تولید فرزند در وضع نامساوی قرار دهند، می‌تواند از جنبه حقوقی «مجوز» تعدد زوجات محسوب شود (مطهری، ۱۳۶۵). از طرف دیگر افزایش نسبی نفوس زنان از مردان موجب پیدایش حق تأهل از جانب زنان و در مقابل تکلیفی است به عهده مرد و اجتماع، لذا چندهمسری به‌عنوان «حقی» از زنان محروم از تأهل و «تکلیفی» به عهده مردان و زنان متأهل محسوب می‌شود. حقوق اسلامی، حقوق اولیه زنان مجرد مبنی بر حق ازدواج، تأهل و تشکیل خانواده را با شناسایی و امضای تعدد زوجات به رسمیت شناخته است و با ایجاد ظرفیت حقوقی لازم از زنان محروم از تأهل در داشتن حامی و سرپرست و پشتوانه عاطفی، حمایت نموده است. بنابراین تعدد زوجات را باید یک تکلیف اجتماعی، حمایتی دانست که با واقع‌بینی در فروض مذکور به شرط رعایت عدالت پیش‌بینی شده است.

## ۲. عدالت

حقیقت عدل، برپاداشتن مساوات و برقراری موازنه بین امور، به‌نحوی که هر چیز سهم مورد استحقاق خویش را داشته باشد. بدین جهت گفته شده است «عدالت عبارتست از: اعطای حق به ذی‌حق یا عدم تجاوز به حق ذی‌حق»، شناسایی حق تأهل برای هر زنی که از تأهل محروم مانده است. در حقیقت به رسمیت شناختن حقوق طبیعی او و اعطای حق به ذی‌حق تلقی شده و در نتیجه مبین عدالت‌ورزی حقوق اسلامی در امور زنان است. حقوق اسلامی بر عدالت ماقبل تشکیل خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی تأکید ورزیده است. علاوه بر آن اعطای حق تأهل و عمل به تکلیف اجتماعی تعدد زوجات را منوط به رعایت عدالت بین زوجات دانسته است. لذا عدالت را باید از شروط تعدد زوجات یعنی از عناصر کلیدی شکل‌گیری و بقای خانواده بزرگ چندهمسری تلقی نمود.

### ۳. مبانی اجرای عدالت برای تعدد زوجات در کتاب و سنت

اجرای عدالت بین زوجات یکی از اصول مسلم اجتماعی اسلام است که در تعالیم اسلامی متخذ از کتاب و سنت بر آن تأکید شده است.

**اجرای عدالت برای تعدد زوجات در کتاب:** مفاد آیه ۳ سوره نساء بر جواز تعدد زوجات و اجرای عدالت دلالت دارد و آیه ۱۲۹ سوره نساء نیز در زمینه عدم امکان اجرای عدالت در برخی از زمینه‌های مناسبات زناشویی بحث می‌نماید:

الف) اعراب جاهلیت غالباً به جنگ و کشتار گرفتار بودند به این جهت یتیم در بین آن‌ها زیاد بود، شیوخ و بزرگان قوم دختران یتیم و اموال آن‌ها را در اختیار خود می‌گرفتند و با آن‌ها ازدواج کرده و اموالشان را ضمیمه اموال خود می‌نمودند و در رفتار خود با آن‌ها عدالت را فراموش نموده و چه بسا پس از تصاحب اموال، آن‌ها را اخراج می‌کردند، در نتیجه این زنان نه مالی داشتند و نه کسی رغبت می‌نمود که با آن‌ها ازدواج نماید. قرآن کریم این روش ناپسند را ظلم فاحش دانسته و مورد تقبیح و نکوهش قرار داده است. لذا فرمود: «وَاتُوا الْيَتَامَىٰ اَمْوَالَهُمْ وَ لَا تُبَدِّلُوا الْحَيْثُ بِالطَّيِّبِ وَ لَا تَأْكُلُوا اَمْوَالَهُم اِلَىٰ اَمْوَالِكُمْ اِنَّهٗ كَانَ حُرْبًا كَبِيْرًا» (النساء/۲) «وَ اِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تُقْسِطُوْا فِی الْیَتَامَىٰ فَانْكِحُوْا مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنٰی وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا فَوَاحِدَةً اَوْ مَا مَلَكَتْ اَیْمَانُكُمْ ذٰلِكَ اَدْنٰی اَلَّا تَعْوِلُوْا» (النساء/۳) بنابراین جمله شرطیه «وَ اِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تُقْسِطُوْا فِی الْیَتَامَىٰ فَانْكِحُوْا مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ...» در حقیقت به این معنی است که «ان لم تطب لکم الیتامی للخوف من عدم القسط فلا تنکحوهن انکحوا نساء غیرهن» چون جمله «فانکحوا» به جای جزای حقیقی آورده شده و با ذکر جمله «ما طاب لکم» که در عبارت آورده شده دیگر نیازی به ذکر لفظ «غیرهن» که صفت از برای نساء بوده باشد، نیست (طباطبایی، ۱۳۹۴).

شیخ طبرسی مؤلف مجمع‌البیان در زمینه سبب نزول و معنای متناسب با نظم آیه اقوالی را به شرح ذیل جمع‌بندی نموده است:

- از ابن عباس و عکرمه نقل شده است در زمان تشریح آیات، تعداد زن‌های برخی از مردان به جهت رقابت و چشم‌هم‌چشمی از چهار و پنج تجاوز می‌کرد. مردان پس از آن که اموال خود را با تکرار همسران از دست می‌دادند. به اموال ایتام تجاوز می‌کردند به این جهت خداوند دستور داده است که بیش از چهار زن نگیرند تا به اموال یتیمان محتاج نباشند و اگر خوف تجاوز به اموال یتیم با چهار زن از ناحیه آن‌ها می‌رود به یک زن بسنده کنند.

- از سعیدبن حبیر، سدی، قتاده، ربیع و ضحاک و ابن عباس (در یکی از دو روایت منقول از او) نقل شده است که در زمان تشریح آیه، مردم نسبت به امور یتیمان مراقبت داشتند ولی نسبت به زنان عدالت را رعایت نمی‌کردند و زنان زیادی را به نکاح خود در می‌آوردند، درحالی که عدالت را نادیده می‌گرفتند آیه شریفه نازل شده است و خداوند در این آیه می‌فرماید: «همان‌گونه که در مورد

یتیمان مراقبت دارید در مورد زنان نیز خوف را از دست ندهید و برای این که عدالت را رعایت کنید بیش از چهار زن نگیرید».

- از مجاهد نقل شده است، مردم در زمان نزول آیات از تصرف در اموال ایتم و سرپرستی آنها جداً خودداری می کردند لذا خداوند فرمود همان گونه که از این امر خودداری می کنید لازم است از گناه زنا نیز خودداری کنید و در عوض زنانی را که می پسندید از یک تا چهار زن به نکاح خویش در آورید.

- از حسن وجبائی نقل شده است چنان چه به عدم رعایت عدالت در مورد یتیمانی که در کنار شما و تحت تربیت شما هستند خوف دارید از دختران یتیم خویشاوندانتان که بر شما حلال می باشند به نکاح خود در آورید یکی، دو تا، سه تا، چهارتا.

- فرآء معتقد است که آیه در مقام بیان این معنی است که شما که سرپرستی ایتم را بزرگ می شمردید و از آن خودداری می کنید، لازم است که از جمع زنان و عدم عدالت بین آنان نیز خودداری کنید و به آن اندازه زن بگیرید که از جور و ستم ایمن باشید (طبرسی، ۱۳۶۸).

مردم حجاز، دختران یتیم را به عنوان سرپرستی به خانه خود می بردند و بعد با آنها ازدواج نموده و اموال آنها را هم تملک می کردند و حتی مهریه آنها را کمتر از معمول قرار می دادند، با کمترین ناراحتی که از آنها پیدا می کردند آنها را رها ساخته و حاضر نبودند که به صورت یک همسر معمولی با آنان رفتار نمایند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲). لذا براساس چنین تلقی از شأن نزول باید خطاب آیه شریفه را ناظر به سرپرستان یتیمان دانست که درباره اموال و ازدواج آنها باید عدالت و مصلحت را رعایت نمایند و برای دوری نمودن از ظلم در حق دختران یتیم بایسته است با زنان دیگر ازدواج نمایند، از آنها دو یا سه یا چهار نفر به همسری خود انتخاب کنند. اگرچه واژه «مثنی» در لغت به معنای «دو تا دو تا» و ثلاث به معنای «سه تا سه تا» و «رُبَاع» به معنای «چهار تا چهار تا» است ولی چون خطاب به همه مسلمانان است. «واو» به معنای «او» (یا) می باشد یعنی هر یک از شما می توانید دو همسر یا سه همسر یا چهار همسر برگزینید. اگر «واو» به معنای خود می بود معنا، چنین می شد که هر یک از شما می تواند دو همسر به اضافه سه همسر به اضافه چهار همسر که مجموع آنها نه نفر می شود برگزینید که مخالف با ضروریات اسلام است زیرا انتخاب بیش از چهار همسر دائم در زمان واحد مطلقاً ممنوع می باشد و آنچه که به گروهی از زیدیه نسبت داده شده است مبنی بر جواز نکاح دائم تا نه همسر، ثابت نشده و بزرگان آنان نیز از این نظریه برائت جسته اند (نجفی، ۱۳۶۶). به هر حال در آیه شریفه جواز تعدد زوجات مورد شناسایی قرار گرفته ولی نامحدود بودن کمی آن تحدید و تقیید شده است.

اسلام علاوه بر محدودیت کمی، قیود و شروط کیفی نیز لحاظ نموده است از آن جمله می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» یعنی اگر بیم دارید که عدالت را رعایت نکنید یعنی اگر به خود اطمینان ندارید که به عدالت رفتار کنید پس به یکی اکتفا نمایید. از اناطة حکم اکتفاء به همسر واحد به خوف از عدالت، اهمیت عدالت و وجوب دوری از هر چیزی که موجب عدم عدالت می‌شود فهمیده می‌شود (کاظمی، ۱۳۶۷).

بدیهی است چنان‌که خوف به عدم عدالت موجب حکم به اکتفاء به همسر واحد می‌شود اطمینان به عدم عدالت به طریق اولی مایه لزوم اکتفاء همسر واحد خواهد شد.

ب) «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَكُلُّ حَرْصٍ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَذُرُوهَا كَالْمَعْلُوقَةِ وَ إِنْ تَصْلَحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (النساء/۱۲۹)

در آیه شریفه می‌فرماید: «شما هرگز نمی‌توانید در میان زنان، عدالت برقرار کنید هرچند کوشش نمایید ولی تمایل خود را به کلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به صورت زنی که شوهرش را از دست داده در آورید و اگر راه صلاح و پرهیزگاری پیش گیرید خداوند آمرزنده و مهربان است».

آیه ۱۲۹ اجرای عدالت بین زوجات را غیرممکن دانسته است درحالی‌که آیه سوم سوره نساء بر ضرورت عدالت‌ورزی بین زوجات تأکید ورزیده و آن را شرط تعدد زوجات دانسته است. در جمع این دو آیه برخی گمان نموده‌اند که تعدد زوجات در اسلام مشروع نیست. امام صادق (ع) در پاسخ به اشکال مذکور فرمود: «مراد از عدالت در آیه سوم سوره نساء عدالت در نفقه و اما منظور از عدالت در آیه ۱۲۹، عدالت در تمایلات قلبی است» (حسینی بحرانی، بی‌تا). برخی از مفسرین اهل سنت نیز آیه سوم را ناظر به مهر و نفقه دانسته و آیه ۱۲۹ را ناظر به محبت، جماع و حظ قلبی دانسته‌اند (انصاری القرطبی، ۱۴۲۴). عشق، عاطفه و احساسات بهترین عناصر روابط زناشویی است. اجرای عدالت به معنای تقسیم و تجزیه دقیق آن بین زوجات با توجه به این‌که احساسات قلبی کاملاً در اختیار آدمی نیست، محال می‌باشد.

آیه شریفه، اجرای چنین عدالتی را که تکلیف به «ما لایطاق» است را نفی می‌کند اگرچه از جمله «وَلَوْ حَرَصْتُمْ» استفاده می‌شود که در میان مسلمین عده‌ای بودند که در این زمینه جدیت داشتند. ولی آیه می‌فرماید اکنون که نمی‌توانید عدالت در محبت را میان زوجات رعایت نمایید تمام میل را به یک همسر متوجه نسازید که در نتیجه همسر یا همسران دیگر بلا تکلیف درآیند به نحوی که نه شوهر داشته باشند که از شوهر بهره‌مند گردند و نه بیوه باشند که شوهر نمایند.

**عدالت در تعدد زوجات در سنت:** در زمینه اجرای عدالت بین زوجات، روایات فراوانی وجود دارد که بیانگر اهمیت آن در سنت می‌باشد. عروه بن زبیر خواهرزاده عایشه درباره طرز رفتار پیامبر اکرم (ص) با زنان خود از عایشه سؤالاتی کرده است. عایشه گفت: رسم پیامبر این بود که هیچ‌یک از

ما را بر دیگری ترجیح نمی‌داد. با همه به عدالت و تساوی کامل رفتار می‌کرد. کمتر روزی اتفاق می‌افتاد که به همه زنان خود سر نزنند و احوالپرسی و تفقد نکنند ولی نوبت هرکس بود نسبت به دیگران به احوالپرسی قناعت می‌کرد و شب را در خانه آن کس به سر می‌برد که نوبت او بود. اگر حیثاً در وقتی که نوبت زنی بود می‌خواست نزد زن دیگر برود رسماً می‌آمد و اجازه می‌گرفت، اگر اجازه داده می‌شد، می‌رفت اگر اجازه داده نمی‌شد نمی‌رفت. من شخصاً این‌طور بودم که هر وقت از من اجازه می‌خواست، نمی‌دادم (مطهری، ۱۳۶۵).

علی (ع) در آن روزی که متعلق به یکی از دو همسرش بود حتی وضوی خود را در خانه دیگری نمی‌گرفت (شیخ‌طوسی، بی‌تا). درباره پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که حتی به هنگام بیماری در خانه یکی از همسران خود توقف نمی‌کرد. (همو) همچنین از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «خدایا، این است تقسیم من در آنچه قدرت دارم بنابراین مرا بر آنچه در توان من نیست و تو قادر به آن هستی، یعنی محبت یکسان بازخواست مفرما» (طبرسی، ۱۳۶۸). از مجموع روایات مشتمل بر سیره پیامبر اکرم (ص) و دیگر معصومین درمی‌یابیم که آنان در مناسبات خویش با همسرانشان عدالت عملی را اجرا می‌نمودند. آنان علاوه بر سیره عملی در آموزه‌های گفتاری خویش نیز بر اهمیت عدالت تأکید فرموده‌اند چنان‌که از رسول اکرم (ص) منقول است که آن حضرت فرمود: «هر کس دو زن داشته باشد و در میان آن‌ها به عدالت رفتار نکند، به یکی از آن‌ها بیشتر از دیگری اظهار تمایل نماید، در روز قیامت محشور خواهد شد در حالی که یک طرف بدن خود را به زمین می‌کشد تا سرانجام داخل آتش شود» (زمخشری، بی‌تا). از روایات درمی‌یابیم که اجرای عدالت در اموری چون نفقه و اوقات معاشرت یک قاعده امری و تکلیفی است.

#### ۴. ماهیت حقوقی تعهد به اجرای عدالت بین همسران

لایحه پیشنهادی حمایت از خانواده با توجه به آیات الهی و سنت معصومین علیهم‌السلام تعهد به اجرای عدالت بین همسران را برای اختیار همسر دائم بعدی پیش‌بینی نموده است. دامنه و گستره مناسبات زناشویی و در نتیجه حقوق و تکالیف مربوط به آن بسیار گسترده و متنوع می‌باشد. اوقات معاشرت، نفقه، نگاه کردن، ملاطفت و ابراز عشق و محبت و مانند آن از دو گروه عمده از حقوق یعنی مادی و معنوی حکایت دارد که زوج باید آن را به زوجات به صورت عادلانه اعطا نماید. اجرای عدالت در اموری چون مسکن، خوراک و پوشاک، اوقات معاشرت و مانند آن ممکن می‌باشد. لذا تعهد به اجرای عدالت در این‌گونه مناسبات را باید یک الزام حقوقی تلقی نمود که در صورت استنکاف زوج، دادرس می‌تواند او را بدان ملزم نماید یعنی التزام حقوقی زوج را باید قاعده حقوقی امری دانست که مرد نمی‌تواند با قرار قبلی، خود را از زیر بار مسئولیت آن خارج کند. به تعبیر دیگر شرط عدم رعایت عدالت از ناحیه زوج و پذیرش آن از ناحیه زوجه در ضمن عقد نکاح لازم‌الاتباع به‌شمار

نمی‌آید. البته زوجه می‌تواند از همه یا قسمتی از حق خویش بعد از عقد نکاح درگذرد چنان‌که از امام باقر (ع) سؤال شد آیا مرد می‌تواند با زن خود شرط کند که فقط روزها هر وقت بخواهد به او سر بزند یا ماهی یک‌بار یا هفته‌ای یک‌بار نزد او برود یا شرط کند که نفقه به طور کامل و مساوی با زن دیگر به او ندهد و خود آن زن هم از اول آن شرط را بپذیرد؟ امام فرمود: «خیر، چنین شرط‌هایی صحیح نیست، هر زنی به موجب عقد ازدواج خواه‌ناخواه حقوق کامل یک زن را پیدا می‌کند. چیزی که هست پس از وقوع ازدواج هر زنی می‌تواند عملاً برای جلب رضایت شوهر که او را رها نکند یا به‌علت دیگری همه یا قسمتی از حقوق خود را ببخشد» (مطهری، ۱۳۶۵). ولی اجرای عدالت واقعی در امور معنوی چون عشق و عواطف ممکن نمی‌باشد لذا تعهد به اجرای عدالت را با توجه به ظرفیت روحی انسان در جای دادن دو یا چند علاقه در خود باید به معنای تعهد اخلاقی مبنی بر تلاش روحی برای حفظ و توسعه علاقه به همسران دانست. از بهترین نتایج چنین تلاشی رفتار عادلانه در ابراز عواطف و علائق نسبت به همسران می‌باشد. چنان‌که پدر یا مادری علی‌رغم تفاوت بین فرزندان و محبوبیت بیشتر برخی نسبت به بعضی دیگر با تلاش روحی در ابراز عواطف نسبت به هر یک عدالت به خرج می‌دهند. بنابراین ابراز عادلانه عواطف و احساسات در قالب گفتار یا کردار می‌تواند موضوع تعهد قرار گیرد. مع‌الوصف باید آن را یک تعهد اخلاقی به‌شمار آورد که از ضمانت اجرائی حقوقی کافی برخوردار نمی‌باشد.

### نتیجه

تعدد زوجات ریشه در سنت‌های اقوام و ملل مختلف در گذشته‌های بسیار دور دارد، لذا از ابتکارات اسلام به‌شمار نمی‌آید. اسلام با واقع‌بینی و درک علل طبیعی که زن و مرد را از لحاظ ارضاء جنسی یا به جهت تولید فرزند در وضع نامساوی قرار می‌دهد، تعدد زوجات را جایز شمرده است. حقوق اسلامی حق تأهل و تشکیل خانواده را از حقوق اولیه بشر تلقی نموده است که با تکلیف زنان و مردان متأهل در اعطای این حق به آن‌ها در قالب تعدد زوجات قابل شناسایی حقوقی است. حقوق اسلامی از نظر کمی تعدد زوجات را در چهار همسر محدود و از جهت کیفی مجوز تعدد زوجات را مشروط به رعایت عدالت نموده است. تعهد به اجرای عدالت بین همسران در امور نفقه، اوقات معاشرت و مانند آن‌که امکان عملی نمودن عدالت در آنان متصور است را باید یک التزام حقوقی تلقی نمود که از ضمانت اجرائی کافی برخوردار است ولی در امور عاطفی تنها التزام اخلاقی است که زوج به حکم وجدان باید تلاش خویش را در جای دادن علاقه به دو یا چند همسر به‌کار گیرد.



## منابع

- انصاری القرطبی، محمد بن احمد (۱۴۲۴)، تفسیر القرطبی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ دوم.
- حسینی بحرانی، سید هاشم (بی تا)، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم.
- زمخشری، محمود (بی تا)، الکشاف عن حقایق عوامض التنزیل، نشر ادب الحوزه.
- شیخ طوسی (بی تا)، تفسیر التبیان، قم، دار الکتب العلمیه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۴)، تفسیر المیزان، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۸)، جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، مجمع البیان، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- کاظمی، محمدجواد (۱۳۶۷)، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، انتشارات مرتضوی، چاپ دهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۵)، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ پنجم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ۳۳.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۶)، جواهر الکلام، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ دوم.